تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۸
تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۳۰

تحلیلی بر بکارگیری ارزش منصفانه

محمد محمدیان / کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

تحولات پیاپی و پیشرفت‌های سریعی که در دامنه فعالیت و انواع واحدهای اقتصادی در جریان وقوع است، لزوم تهیه و ارائه اطلاعات مالی مربوط، قابل اعتماد و قابل مقایسه را توسط واحدهای اقتصادی تشدید کرده است. یکی از راه‌های دستیابی به اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان، برآورد صحیح و دقیق عناصر حسابداری است. از جمله مبانی اندازه‌گیری که اخیراً بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، ارزش منصفانه می‌باشد. این مبنا که تاکید ویژه‌ای بر ارائه اطلاعات مربوط دارد، بحث‌هایی را راجع به بکارگیری آن به جای بهای تاریخی و یا در کنار آن به وجود آورده است. همزمان با بکارگیری این مبنا، بحران مالی آمریکا به وجود آمده و موجب نگرانی‌هایی در خصوص بکارگیری این مبنا شده است. در این مقاله، به تجزیه و تحلیل بکارگیری ارزش منصفانه در مقابل بهای تاریخی، مزایا و معایب و چالش‌ها و مشکلات بکارگیری آن و تاثیر آن بر بحران مالی اخیر پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ارزش منصفانه، بهای تاریخی، بحران مالی، حسابداری.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

مقدمه

عناصر حسابداری معمولاً خاصه‌های مختلف قابل اندازه‌گیری دارند. اما، خاصه مشترک تمام عناصر حسابداری، ارزش است که طبق مفروضات حسابداری، بر حسب واحد پولی به عنوان مقیاس مشترک، اندازه‌گیری می‌شود. قیمت کالا و خدمات در معاملات یا مبادلات، شاخص ارزش است و این ارزش در تاریخ معامله، مساوی قیمت تحقق یافته آن می‌باشد؛ اما با گذشت زمان، و وقوع رویدادهای گوناگون، قیمت نسبی کالاها و خدمات تغییر می‌کند و در نتیجه قیمت تحقق یافته تاریخی ممکن است شاخص مناسبی برای ارزش نباشد. این واقعیت موجب شده است که بنابر مقتضیات، مبانی مختلفی برای اندازه‌گیری ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها و به تبع آن تغییر در سرمایه در حسابداری به کار گرفته شود که این مبانی عبارتند از: ارزش تاریخی، ارزش جاری، ارزش بازار، ارزش خالص بازیافتنی، ارزش تسویه[1] و ارزش فعلی. از آنجا که قیمت تحقق یافته در معامله یا مبادله یا به عبارت دیگر، ارزش تاریخی قاعدتاً معرف و مساوی ارزشی است که از بکارگیری مبانی مختلف اندازه‌گیری در تاریخ وقوع معامله یا مبادله به دست می‌آید، در حسابداری کنونی، در شناسایی اولیه، ارزش تاریخی ملاک ثبت و پردازش اطلاعات مالی قرار می‌گیرد. از این رو، اغلب گفته می‌شود که صورت‌های مالی محصول سیستمی است که بر ارزش‌های تاریخی مبتنی است. سیستم مبتنی بر ارزش‌های تاریخی در شرایط عادی می‌تواند اطلاعات مفیدی را در مورد برخی از اقلام دارایی نظیر اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و موجودی‌ها فراهم آورد، در حالی که در مورد برخی دیگر از اقلام دارایی و بدهی نظیر مطالبات و بدهی‌های برآوردی چندان کارساز نیست. مضافاً برخی از رویدادهای دارای اثر مالی نظیر دریافت دارایی به طور رایگان و معاوضه دارایی‌ها، فاقد ارزش تاریخی می‌باشند و در نتیجه سیستم مبتنی بر ارزش تاریخی چارچوب مناسبی برای اندازه‌گیری آثار مالی چنین رویدادهایی نیست. علاوه بر این، نظر به اینکه با گذشت زمان و وقوع رویدادهای مختلف، قیمت‌های نسبی اقلام تغییر می‌کند، برای آنکه اطلاعات مالی از دو ویژگی مربوط بودن و قابلیت اعتماد برخوردار باشد، لازم است که مبانی مختلف اندازه‌گیری، تحت شرایط و بر حسب مقتضیات به کار گرفته شود (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۷، مفاهیم نظری گزارشگری مالی).

با توجه به مطالب مذکور، مشاهده می‌شود که نمی‌توان بهای تاریخی را یگانه مبنای اندازه‌گیری در نظر گرفت. از این‌رو، استانداردگذاران همواره به دنبال استفاده از ارزش‌های دیگری از جمله ارزش منصفانه، برای اندازه‌گیری دارایی‌ها و بدهی‌ها بوده‌اند و در استانداردهای مختلف به این مفهوم اشاره

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

داشته‌اند. شاید دلیل اصلی استفاده از ارزش منصفانه، برتری ویژگی مربوط بودن آن بر ویژگی قابلیت اتکا باشد. بدین منظور، هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی در راستای تدوین چارچوب مفهومی مشترک بر بکارگیری ارزش منصفانه تاکید داشته‌اند. اگرچه مفهوم ارزش منصفانه و شیوه اندازه‌گیری آن با انتقاداتی مواجه شده است، اما استاندارد ۱۵۷ هیئت استانداردهای حسابداری مالی شرکت‌ها را ملزم به اجرای این استاندارد و بکارگیری ارزش منصفانه کرده است. اهمیت بکارگیری ارزش منصفانه از آن جهت قابل ملاحظه است که هیئت استانداردهای حسابداری مالی تا سال ۲۰۰۴ از ۱۵۰ عدد استاندارد منتشر شده حدود ۵۰ استاندارد و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی از ۴۱ عدد استاندارد منتشر شده حدود ۲۳ استاندارد آن به ارزش‌های منصفانه اشاره داشته‌اند (جئوفری[۲]، ۲۰۰۷ و سایت هیئت استانداردهای حسابداری مالی، استاندارد ۱۵۷).

با توجه به اهمیت قابل ملاحظه در بکارگیری ارزش منصفانه، در این مقاله سعی می‌شود تا مفهوم ارزش منصفانه را شرح داده و به خصوصیات و ویژگی‌ها، مزایا و معایب، نظرات و انتقادات مطرح در خصوص بکارگیری آن پرداخته شود.

ارزش منصفانه در مقابل بهای تاریخی

توسعه استانداردهای حسابداری، جایگزینی پارادایم حسابداری ارزش منصفانه را به جای حسابداری بهای تاریخی آشکار ساخته است. حسابداری ارزش منصفانه در مقابل حسابداری بهای تاریخی که وضعیت و سود واقعی را پنهان می‌کند، دارای بار ارزشی مربوط‌تری است. مربوط بودن گزارش‌های مالی باید اندازه‌گیری شود، معرف رابطه بین بازده حسابداری و بازار باشد، برحسب آن به وظیفه مباشرت مدیر کمک کند، هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد، موجب تقویت کارایی مدیریت شود، و اطلاعات مربوطی را برای ذینفعان و کارگران، راجع به تناقض اجتماعی آنها فراهم آورد. گزارش‌های مبتنی بر حسابداری ارزش منصفانه توجه سهامداران را به ارزش حقوق آنها جلب می‌کند و وظیفه مباشرت را بهبود می‌بخشد. حسابداری ارزش منصفانه همچنین بر افشای کامل تاکید دارد و با شفافیت سازگار است (بارلیو و هاداد[۳]، ۲۰۰۳).

با توجه به این مطالب، ضروری است تا دو معیار بهای تاریخی و ارزش منصفانه را ابتدا از لحاظ ویژگی‌های کیفی اطلاعات مورد بررسی قرار داده و سپس به مزایا و معایب بکارگیری هر یک از آنها پرداخته شود.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

ویژگی‌های کیفی

مربوط بودن و قابلیت اتکا دو شرط اساسی اقلام قابل اندازه‌گیری معرفی شده‌اند که باید شناسایی شوند و در صورت‌های مالی واحد تجاری در نظر گرفته شوند. هیئت استانداردهای حسابداری مالی از این شـــرایط به منظور انتخاب در بین گزینه‌های حســـابداری رقیب استفاده می‌کند. آنها یک قلم حسابداری را وقتی مربوط می‌دانند که اطلاعات پیرامون آن قلم بتواند در تصمیمات استفاده‌کنندگان تفاوت ایجاد کند. سه ویژگی اولیه اطلاعات مربوط بودن، شامل ارزش پیش‌بینی، ارزش بازخورد و به هنگام بودن است. این ویژگی‌ها، بر معیار ارزش منصفانه نسبت به معیار بهای تاریخی، برای ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود، تاکید دارند. یافته‌های تحقیقات بسیاری، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران به این موضوع پی برده‌اند که برآوردهای ارزش منصفانه از بدهی‌ها و اوراق سرمایه از ارزش مربوط‌تری نسبت به ارقام بهای تاریخی برخوردار هستند. این مطالعات همچنین نشان داده‌اند که تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مشـــهود پیش‌بینی‌های مربوط به بازده آتی را بهبود می‌بخشد، به علاوه ارزش‌های منصفانه بیش از بهای تاریخی شرایطی را پیش‌بینی می‌کنند که شرکت‌ها ممکن است تداوم فعالیت نداشته باشند. همچنین ممکن است ارزش منصفانه دارایی‌ها، اطلاعات مربوط‌تری در مورد پیش‌بینی موانع تقسیم سود توسط شرکت‌ها ارائه کنند (بارلیو و هاداد، ۲۰۰۳).

از طرفی دیگر، ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات به اســـتفاده‌کنندگان این اطمینان را می‌دهد که اطلاعات به طور منطقی عاری از اشتباه و تعصب است و کاملاً صادقانه می‌باشد. از جمله ویژگی‌های اصلی قابل اتکا بودن قابل تایید بودن، بی‌طرفی و صداقت در ارائه است. معمولاً، معیار بهای تاریخی را نسبت به معیار ارزش منصفانه، در ارائه اطلاعات قابل اتکاتر می‌دانند (بلکویی، ۱۳۸۱).

صداقت در ارائه، از جمله ویژگی‌هایی است که توجه هیئت اصول حسابداری را به خود جلب کرد. این هیئت بر این اعتقادند که ارزش منصفانه، بیشترین صداقت در ارائه را در بیان رویدادها خواهد داشـــت. این باور حول این موضوع می‌چرخد که عـــدم تعدیل ارزش منصفانه اولیه برای دارایی‌های ثابت مشهود (یعنی بهای تمام شده) برای تغییرات رخ داده در ارزش منصفانه، منجر به این خواهد شد که اطلاعات تحت ارزش منصفانه به صورت صادقانه ارائه نشود. البته اگر هدف حسابداری ثبت درست وقایع رخ داده در گذشته باشد، آنگاه حسابداری برای ارزش‌های تاریخی به طور صادقانه ارائه خواهد شد. در نتیجه، تاکید ارزش منصفانه بر مربوط‌پذیری اطلاعات حسابداری است و بهای تمام شده تاریخی تا حدودی بیشتر مبتنی بر اتکاپذیری اطلاعات است. رقابت در انتخاب هر یک از این

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

ویژگی‌های کیفی باعث به وجود آمدن موافقان و مخالفانی در خصوص پذیرش اندازه‌گیری دارایی‌ها و بدهی‌ها به ارزش منصفانه و یا به بهای تمام شده تاریخی شده است. اخیراً ارائه درست و منصفانه عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌ها، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و موافقان بیشتری را به خود جلب کرده اســت. ضمن اینکه، معیار ارزش منصفانه با توجه به استانداردهای منتشره توسط هیئت‌های تدوین‌کننده اســتانداردها، موجب کاهش پیچیدگی در گزارشگری مالی شده و بر بهبود مقایسه و مفید بودن اطلاعات ارائه شده و در نتیجه به هنگام بودن و مربوط بودن اطلاعات افزوده است.

ویژگی‌های کلیدی

از جملــه ویژگی‌های کلیدی بهای تاریخی، می‌توان به رویکرد ســود و زیانی و تاکید بر ویژگی کیفی ارزش تاییدکنندگی آن که مبتنی بر مبادله است، اشاره کرد. این ویژگی باعث می‌شود تا معیار بهای تاریخی توجه مدیران را به وظیفه مباشرت خود جلب کند. هدف این مبنا، ارزیابی منشأ سود و وضعیت مالی است. ضمن اینکه سود تحقق نیافته را در شناسایی سود در نظر نمی‌گیرد. در مقابل، رویکرد ارزش منصفانه، ترازنامه محور بوده و بر ویژگی کیفی ارزش پیش‌بینی (ارزش فعلی، مدل‌ها، برآوردها) تاکید دارد. این ویژگی باعث می‌شود تا معیار ارزش منصفانه بر تصمیمات سرمایه‌گذاران موثر باشد. هدف این مبنا، ارزیابی شرکت است. به همین منظور، بر افشای کامل و شفافیت تاکید دارد و سود تحقق نیافته را در ارزیابی‌های خود در نظر می‌گیرد(آسلانرتیک[۴]، ۲۰۰۹؛ رابرت بویر[۵]، ۲۰۰۷). بر این اساس، می‌توان خصوصیات دو سیستم یا مبنای اندازه‌گیری را، به صورت زیر نشان داد:

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

	ارزش منصفانه	بهای تاریخی
ویژگی‌های کلیدی	تاکید بر تصمیمات سرمایه‌گذاران، رویکرد ترازنامه‌ای، تاکید بر ارزش پیش‌بینی (مبتنی بر مدل‌ها و برآوردها)، در نظر گرفتن سود تحقق نیافته	تاکید بر وظیفه مباشرت، رویکرد سود و زیانی، تاکید بر ارزش تاییدکنندگی (مبتنی بر مبادله)، در نظر نگرفتن سود تحقق نیافته
هدف	ارزیابی ارزش شرکت، شفافیت شرکت برای ذی‌نفعان	ارزیابی منشأ سود، ارزیابی وضعیت مالی نسبت به انواع ذی‌نفعان
منشا سود	۱- فعالیت مدیریت دارایی‌ها، به منظور بهره‌وری از فرصت‌های بازار مالی ۲- بهره‌وری از جایگزینی دارایی‌های داخلی و خارجی شرکت	۱- مولد تبدیل عوامل و دارایی‌ها به محصولاتی برای بازار ۲- تحقیق برای تکمیل دارایی‌های ویژه به وسیله مدیران
هدایت‌کننده	مدیریت مالی اجرایی، به عنوان واسط مالی	مدیران به عنوان سازمان‌دهنده ایجاد سود داخلی
ارتباط احتمالی	بین مدیران و متخصصان مالی	بین مدیران و کارمندان دائمی/مرکزی
قلمرو مربوطه	بین‌المللی	ملی
ارتباط با سیستم مالی	۱- ارزیابی به وسیله فعالان خارجی که در ارزیابی برخی دارایی‌های مبادله شده در بازارهای مالی کمک می‌کنند. ۲- نقایص بازارهای مالی، ارزیابی داخلی شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهد.	۱- سیستم حسابداری ارزیابی عینی از ایجاد ارزش گذشته فراهم می‌کند که در سطح وسیعی مستقل از بازارهای مالی است. ۲- تکیه‌گاهی برای ارزیابی‌های مالی است و به ثبات مالی کمک می‌کند.

مزایا و معایب بکارگیری ارزش منصفانه

با توجه به ویژگی‌های کیفی و کلیدی هر یک از این دو مبنای اندازه‌گیری، مشاهده می‌شود که نمی‌توان به طور قطع از یک مبنا برای اندازه‌گیری دارایی‌ها و بدهی‌ها و در نتیجه محاسبه سود استفاده کرد. این موضوع بیانگر این است که تحت مقتضیات زمانی باید از الگوی مناسب سیستم حسابداری بر مبنای این دو واحد اندازه‌گیری استفاده کرد. از طرفی دیگر همانطور که در بالا نیز اشاره شد، اخیراً ارزش منصفانه از مقبولیت ویژه‌ای نزد استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به خصوص سرمایه‌گذاران، برخوردار شده است. بدین منظور، دانستن مزایا و معایب یا نقاط ضعف و قوت این معیار در اندازه‌گیری حائز اهمیت می‌باشد. یکی از مهمترین مزایای بکارگیری این مبنا، شفافیت و واضح و روشن بودن اطلاعات فراهم شده بر مبنای این معیار است. این معیار که با افشای کامل، اطلاعات مکمل و اضافی را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد، به انتظارات و تقاضاهای سرمایه‌گذاران و

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

متخصصان مالی پاسخ می‌دهد. اگرچه، مزایا و نقاط قوت ارزش منصفانه مؤید مناسب بودن این معیار اندازه‌گیری در شـــرایط زمانی مناســـب است، اما از نقاط ضعف و کاستی‌های آن نیز نباید غافل بود. شاید مهمترین عیبی که بر این مبنا وارد است، مشکلات ناشی از اندازه‌گیری بر اساس این مبنا، به خصوص نحوه برخورد آن با اندازه‌گیری بدهی‌ها، و در نتیجه کم‌رنگ‌تر شدن قابلیت اتکای اطلاعات فراهم شـــده بر مبنای این واحد اندازه‌گیری باشد. به همین دلیل، بسیاری از مخالفان اجرای ارزش منصفانه را حسابرسان تشکیل می‌دهند. در جدول زیر به برخی از این مزایا و معایب و نقاط ضعف و قوت بکارگیری ارزش منصفانه اشاره شده است (آسلانرتیک، ۲۰۰۹؛ رابرت بویر، ۲۰۰۷):

معایب و نقاط ضعف	مزایا و نقاط قوت
۱- مشکلاتی که در تعریف ارزش منصفانه وجود دارد. ۲- نوساناتی را در چرخه تجاری شرکت‌ها به وجود می‌آورد. ۳- بر اساس قیمت مستقل و فرضی است. ۴- احتمال ایجاد حباب‌های مالی بر اساس این معیار وجود دارد. ۵- ممکن است موجب بی‌ثباتی هسته استراتژی شرکت‌ها شود. ۶- اثـرات انحرافی بر صحت و قابلیت اعتبار حســاب‌های شــرکت و رفتارهای غیر قانونی و مکرر مدیران را به دنبال دارد. ۷- برخورد مشکل با بدهی‌ها.	۱- وضوح و روشنی و شفافیت اطلاعات ۲- تهیه اطلاعات اضافی و مکمل. ۳- سیستم حسابداری در این مبنا، به مفهوم رهبری واحد تجاری به عنوان مجموعه‌ای از دارایی‌ها است. ۴- واکنشـــی اســـت به انتظـــارات و تقاضاهای ســـرمایه‌گذاران و متخصصان مالی. ۵- دســـتیابی آســـان‌تر به تامین مالی از طریق دقت بیشـــتر در اندازه‌گیری اقلام ترازنامه. ۶- شفافیت و اطلاعات در زمان واقعی همگام با نیازهای بازارهای مالی. ۷- فراهم آوردن حساب‌های مناسب برای مشتقه‌ها. ۸- کاهش انگیزه برای مدیریت سود.

گسترش الگوی حسابداری ارزش منصفانه

با توجه به ویژگی‌های کیفی و کلیدی و همچنین نقاط ضعف و قوت معیار ارزش منصفانه، الگوی حســـابداری ارزش منصفانه گسترش یافته است. پیشینه ظهور این مفهوم را می‌توان از قبل از دهه ۱۹۴۰ جستجو کرد. قبل از سال ۱۹۳۸، بانک‌ها و موسسات مالی وام‌ها و دارایی‌هایشان را بر اساس ارزش بازار گزارش می‌کردند. در طول بحران اقتصادی ارزش بازار این دارایی‌ها سقوط کرد. بانک‌ها مجبور بودند قیمت دارایی‌هایشان را پائین بیاورند، زیان‌ها را گزارش دهند و سرمایه‌شان را هم کاهش بدهند و برای حفظ مشروعیت خود نیازمند حداقل نسبت مطلوب سرمایه بودند و بانک‌ها مجبور به کوتاه کردن وام‌هایشـــان بودند. این عمل تأثیر منفی بر روی فعالیت‌های اقتصادی گذاشت و بحران اقتصادی را شدیدتر کرد. بعدها روش اندازه‌گیری ارزش بازار در صنعت مالی با روش حسابداری بهای

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

تاریخی جایگزین شد (لاکس و چریستیان[۶]، ۲۰۰۹؛ آسلانرتیک، ۲۰۰۹؛ رابرت بویر، ۲۰۰۷، بارلیو و هاداد، ۲۰۰۳).

در ۱۹۷۳ دیدگاه‌های جدیدی در مورد حل مشـــکلات گزارشـــگری و اندازه‌گیری مالی ارائه شد و از چندین مفهوم ارزش منصفانه اســـتفاده شد. در همین حین نهادهای استانداردگذاری از جمله، هیئت استانداردهای حسابداری مالی، شروع به استفاده از این مفهوم برای بدهی‌ها و دارایی‌های غیر مالی نمودند. در بیانیه شـــماره ۳۵ هیئت استانداردهای حسابداری مالی، دارایی‌های وجوه مستقل بازنشستگی و استفاده از ارزش منصفانه مورد بحث قرار گرفت و هیئت پیشنهاد کرد تا از متخصصان مستقلی که برای برآورد ارزش منصفانه که شاید برای سرمایه‌گذاری‌های خاص واجد شرایط باشند، استفاده شود. در سال ۱۹۹۰، کمیسیون بورس و اوراق بهادار، اعلام کرد که ارزش منصفانه فقط یک اندازه‌گیری مربوط اســـت و بر این باور بود که بیشتر موسسات مالی نیاز دارند تا سرمایه‌گذاری‌های خود را بر اساس ارزش بازار برآورد کنند. در سال ۱۹۹۳، هیئت استانداردهای حسابداری مالی، متن پیشنهادی خود را برای جبران مبنای سرمایه منتشر کرد. متن پیشنهادی دیدگاه ارزش منصفانه را پذیرفت و حسابداری ارزش منصفانه را برای همه ابزارهای مالکیت منتشر شده به کارمندان پیشنهاد کرد (بارلیو و هاداد، ۲۰۰۳).

به همین ترتیب، کم کم بحث راجع به استفاده یا عدم استفاده از ارزش منصفانه در بین تهیه‌کنندگان اطلاعات، استفاده‌کنندگان اطلاعات و تدوین‌کنندگان استانداردها مطرح شد و تحقیقات بسیاری در این خصوص صورت گرفت. هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، دو نهاد در توسعه این الگوی حسابداری می‌باشند و در طی مرور زمان در استانداردهای خاص خود به این مفهوم اشاره داشته‌اند. اخیراً نیز در برنامه‌ای جهت تدوین یک چارچوب مفهومی مشـــترک به این موضوع پرداخته‌اند. در اســـتانداردهای ایران نیز به این مفهوم اشاره شده است. سیر تکاملـــی مفهوم و تعریف ارزش منصفانه در هر یک از این نهادهای اســـتانداردگذاری در جداول زیر نشان داده شده است.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

تعریف و بکارگیری	سال
استفاده از ارزش‌های منصفانه در آمریکا به سال ۱۹۴۰ باز می‌گردد. در آن زمان بانک‌های سرمایه‌گذاری و دارندگان اوراق بهادار قابل داد و ستد به منظور متقاعد کردن مراجع قانونی از کفایت سرمایه خود، به تبدیل مبالغ دفتری سرمایه‌گذاری‌های خود به ارزش‌های بازار اقدام نمودند. استفاده از این روش، مدیران نهادهایی نظیر بانک‌های تجاری را قادر می‌ساخت تا " اندوخته پنهان" ناشی از ارزش‌های منصفانه دارایی‌ها را برای سال‌هایی که وضعیت اقتصادی نامتناسب تشخیص داده می‌شد، ایجاد کنند و از آن برای هموارسازی سودهای آتی بهره ببرند.	۱۹۴۰
مفهوم ارزش منصفانه، اولین بار در استاندارد شماره ۸ (حسابداری تسعیر ارز و صورت‌های مالی پول خارجی) در سال ۱۹۷۵ به ارزش‌های منصفانه اشاره شد.	۱۹۷۵
اولین تعریف از ارزش‌های منصفانه در استاندارد شماره ۱۳ (حسابداری اجاره‌ها) ارائه گردید: ارزش منصفانه قیمتی است که یک دارایی می‌تواند به آن قیمت در یک معامله منصفانه بین گروه‌های مایل غیر وابسته فروخته شود (پاراگراف c ۵).	۱۹۷۶
در این سال تعریف گسترده‌تری از ارزش منصفانه در استاندارد شماره ۶۷ پذیرفته شد: ارزش منصفانه مقداری نقدی یا ارزش معادل نقدی ملاحظاتی است که از حالت واقعی در یک فروش جاری بین یک خریدار مایل و یک فروشنده مایل حاصل خواهد شد (مانند، قیمت فروش)، یعنی متفاوت از فروش اجباری و فروش در زمان تسویه است (پاراگراف ۲۸).	۱۹۸۲
دارایی‌های مالی به صورت حداقل بهای تمام شده و ارزش بازار شناسایی و اندازه‌گیری می‌شد.	قبل از ۱۹۹۳
استاندارد شماره ۱۱۵ (سرمایه‌گذاری‌ها)، به حسابداری ارزش منصفانه برای اوراق بهادار معاملاتی نیاز پیدا کرد.	۱۹۹۳
استاندارد شماره ۱۳۳ (استفاده از ارزش‌های جاری برای دارایی‌های خاص)، به حسابداری ارزش منصفانه برای اوراق مشتقه (derivatives) نیاز پیدا کرد. در پیش‌نویس این استاندارد، واژه عدم اطمینان به تعریف ارزش منصفانه اضافه شد: "ارزش منصفانه قیمت مبادلاتی است که به طور معقول در یک معامله منصفانه بین خریدار و فروشنده‌ای مایل مورد انتظار است". عدم اطمینان (به طور معقول انتظار داشتن)، به ضعف اصلی اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در جایی که فقدان اطلاعات قابل اتکا موجود است، اشاره دارد. در نتیجه، هیئت استانداردهای حسابداری مالی، رهنمود ارائه شده برای اندازه‌گیری را این‌گونه بیان کرد: "فرض می‌شود که در هنگام شناخت اولیه، مبلغ نقدی یا معادل نقدی دریافت شده یا پرداخت شده به طور تقریبی همان ارزش منصفانه است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود".	۱۹۹۸
در ژوئن ۲۰۰۳ هیئت استانداردهای حسابداری مالی تصمیم گرفت که رهنمودی در مورد استفاده از ارزش منصفانه منتشر کند. در ژوئن ۲۰۰۴ هیئت استانداردهای حسابداری مالی متن پیش‌نویس این بیانیه را در سایت خود قرار داد. در این پیش‌نویس ارزش منصفانه بدین صورت تعریف شده است: "میزانی که یک دارایی و یا یک بدهی در یک معامله جاری میان افراد آگاه، مطلع، متمایل، و غیر وابسته مورد استفاده قرار می گیرد".	۲۰۰۴

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

سیر تکاملی مفهوم ارزش منصفانه در هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی

مفهوم ارزش منصفانه در هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی با تعریف آن در استاندارد شماره ۱۶(حسابداری اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات) در سال ۱۹۸۲ مسیر خود را آغاز کرد: "ارزش منصفانه قیمتی است که دارایی بین گروه‌های آگاه و مایل در یک معامله منصفانه مبادله می‌شود". این استاندارد در سال ۱۹۹۳، تجدید نظر شد و تعریف ارزش منصفانه با ارائه تعریفی مجدد بر اساس گروه‌های شرکت‌کننده در معامله، جنبه عمومی‌تری یافت و پس از آن نیز، عنصر بدهی به تعریف فوق اضافه شد: "ارزش منصفانه قیمتی است که دارایی (بدهی) بین گروه‌های آگاه و مایل در یک معامله منصفانه مبادله (تسویه) می‌شود". به طور کلی، در هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی تعاریف مربوط به ارزش منصفانه در طول زمان تکامل یافته است.

بندها مربوطه	شماره استاندارد	تعریف	سال
۶	۱۶	ارزش منصفانه قیمتی است که دارایی بین گروه‌های آگاه و مایل در یک معامله منصفانه مبادله می‌شود.	۱۹۹۸ و (۱۹۹۳)
۳	۱۷	ارزش منصفانه قیمتی است که دارایی (بدهی) بین گروه‌های آگاه و مایل در یک معامله منصفانه مبادله (تسویه) می‌شود.	۱۹۹۷
۷	۱۸	ارزش منصفانه قیمتی است که دارایی (بدهی) بین گروه‌های آگاه و مایل در یک معامله منصفانه مبادله (تسویه) می‌شود.	۱۹۹۳
۳	۱۹	ارزش منصفانه قیمتی است که دارایی (بدهی) بین گروه‌های آگاه و مایل در یک معامله منصفانه مبادله (تسویه) می‌شود.	۱۹۸۸
۳	۲۰	ارزش منصفانه قیمتی است که دارایی بین یک خریدار و فروشنده آگاه و مایل در یک معامله منصفانه مبادله می‌شود.	۱۹۸۲ تجدید نظر شده در سال ۱۹۹۴
۷	۲۱	مطابق با استاندارد شماره ۱۸,۷	۱۹۹۳
۸	۲۲	مطابق با استاندارد شماره ۱۹,۳	۱۹۹۸ و (۱۹۹۳)
۴	۲۵	مطابق با استاندارد شماره ۲۰,۳	۱۹۸۵ تجدید نظر شده در سال ۱۹۹۴
۵	۳۲	مطابق با استاندارد شماره ۱۸,۷	۱۹۹۸ و ۱۹۹۵
۹	۳۳	مطابق با استاندارد شماره ۱۸,۷	۱۹۹۷

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

۷	۳۸	ارزش منصفانه قیمتی است که دارایی بین یک خریدار و فروشنده آگاه و مایل در یک معامله منصفانه مبادله می‌شود.	۱۹۹۸
۸	۳۹	مطابق با استاندارد شماره ۱۸,۷	۱۹۹۸
۴	۴۰	مطابق با استاندارد شماره ۱۶,۶	۲۰۰۰
۸	۴۱	مطابق با استاندارد شماره ۱۸,۷	۲۰۰۱

تعریف و بکارگیری ارزش منصفانه در برخی از استانداردهای ایران

مفهوم ارزش منصفانه در استانداردهای حسابداری ایران، بر اساس تعریف صورت گرفته توسط هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی است.

تعریف ارزش منصفانه در استانداردهای ایران:
مبلغی است که خریداری مطلع و مایل و فروشنده‌ای مطلع و مایل می‌توانند در معامله‌ای حقیقی و در شرایط عادی، یک دارایی را در ازای مبلغ مزبور با یکدیگر مبادله کنند (بند ۸، استاندارد شماره ۳). از جمله نمونه‌های بکارگیری این مفهوم در استانداردهای ایران به شرح زیر می‌باشد:

سال	نام استاندارد	شماره استاندارد	بندها مربوطه
۱۳۸۰	درآمد عملیاتی	۳	۸، ۱۰ و ۱۳
۱۳۸۰	حسابداری کمک‌های بلاعوض دولت	۱۰	۱۹
تجدید نظر شده ۱۳۸۶	دارایی‌های ثابت مشهود	۱۱	۲۳، ۲۵، ۲۹ و ۳۰
تجدید نظر شده ۱۳۸۶	دارایی‌های نامشهود	۱۷	۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۶ و ۶۳
تجدید نظر شده ۱۳۸۴	ترکیب‌های تجاری	۱۹	۲۰، ۲۱، ۳۴ و ۳۵
۱۳۸۰	حسابداری اجاره‌ها	۲۱	۱۱، ۴۸ و ۴۹
۱۳۸۳	فعالیت‌های کشاورزی	۲۶	۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰

چارچوب مفهومی مشترک و استاندارد ارزش منصفانه

هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی و آمریکا، پروژه جدیدی را برای تجدیدنظر در چارچوب مفهومی حسابداری و گزارشگری مالی آغاز کرده‌اند. هدف این پروژه، تدوین چارچوب مفهومی مشترک برای گردآوری استانداردهای حسابداری مشترک در سطح بین‌المللی است. یکی از موضوعات مطرح در تجدید نظر، جایگزین کردن هر چه بیشتر ارزش‌های منصفانه به جای بهای تاریخی در

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

گزارش‌های مالی اســت. از این رو، در این چارچوب به جای ویژگی قابلیت اتکا از واژه ارائه صادقانه استفاده شده است. بعد از جلسه مشترک دو هیئت در سپتامبر ۲۰۰۲ در راستای تدوین چارچوب مفهومی مشــترک، توافقنامه نورواک[۷] منتشر گردید. در این تفاهم‌نامه، هر یک از آنها متعهد شدند تا مسئولیتی را در جهت توسعه استانداردهای حسابداری قابل مقایسه و با کیفیت بالا که می‌تواند هم برای گزارشگری داخلی و هم گزارشگری مالی خارجی مورد استفاده واقع شود، بپذیرند. در این جلسه هر دو هیئت متعهد شدند تا از بهترین ابزارها برای ایجاد استانداردهای گزارشگری کاملاً قابل مقایسه و عملی و همچنین برای هماهنگ نمودن کارهای آتی جهت اطمینان‌بخشی به دستیابی به این استانداردها استفاده نمایند(جئوفری، ۲۰۰۷).

در جلسه دیگر آنها پس از توافق نورواک، که در آوریل و اکتبر ۲۰۰۵ برگزار گردید، هر دو هیئت مجدداً بر تعهدات خود در جهت همگرایی استانداردها تاکید ورزیدند. در این جلسه نقشه راه رسیدن به اســتانداردهای مشــترک در دو بخش همگرایی کوتاه‌مدت و بلندمدت مطرح شد. در همگرایی کوتاه‌مدت که تا سال ۲۰۰۸ ادامه داشت، قرار بر این شد تا هر دو هیئت به برطرف ساختن تفاوت‌های موجود در اســتانداردها بپردازند. در این راســتا، از کارهای قابل انجام توســط هیئت استانداردهای حســابداری مالی، پذیرش موضوع ارزش منصفانه بود. از جمله موضوعات همگرایی که در جلســه آوریل و اکتبر ۲۰۰۵، در دســتور کار هر دو هیئت قرار گرفته، تدوین و انتشــار راهنمای همگرایی بــا هدف برآورده کردن یکنواختی در بکارگیری نیازهای ارزش منصفانه اســت. وضعیت موجود در زمینه استاندارد ارزش منصفانه از این قرار است که، هیئت استانداردهای حسابداری مالی، استاندارد ارزش منصفانه را در نیمه اول ۲۰۰۶ تکمیل و منتشر نموده است و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی این اســتاندارد را در دســتور کار خود قرار داده و در جریان بحث و بررســی آن قرار دارد. بررسی روند پیشرفت موضوعات همگرایی از جمله موضوع راهنمای ارزش منصفانه در یک سال بعد یعنی آوریل و اکتبر ۲۰۰۶ بدین صورت است که: هیئت استانداردهای حسابداری مالی در حال حاضر استاندارد ۱۵۷ را تحت عنوان استاندارد ارزش منصفانه تکمیل و منتشر کرده و در گام‌های بعدی به بازنگری این استاندارد می‌پردازد. اما هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی گزارش تحقیق را در ســال ۲۰۰۷ منتشــر نموده و ادامه کارها در جریان می‌باشد. انتظار می‌رود تا این استاندارد در نیمه اول ســال ۲۰۱۱ تکمیل گردد (جئوفری، ۲۰۰۷). از این رو، تنها استاندارد منتشر شده در خصوص ارزش منصفانه، استاندارد ۱۵۷ هیئت استانداردهای حسابداری مالی است که در ادامه جهت آشنایی

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

بیشتر نسبت به این اســتاندارد و نحوه اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی‌ها و بدهی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خلاصه‌ای از استاندارد ارزش منصفانه (شماره ۱۵۷)

از جمله دلایل و اهداف انتشار این بیانیه وجود تعاریف متفاوت از ارزش منصفانه و کمبود رهنمود مناسب برای بکارگیری آن تعاریف در اصول پذیرفته شده عمومی است که منجر به عدم هماهنگی در بیانیه‌های مختلف شده بود. همچنین، می‌توان بررسی نیاز به هماهنگی و قابلیت مقایسه بیشتر در اندازه‌گیری ارزش منصفانه و توســعه و بهبود افشــاء در این مورد را هدف عمده ارائه این بیانیه دانست. اگرچه، ارزش منصفانه در استانداردهای مختلف و به شکل پراکنده مورد استفاده قرار گرفته است، ولی اشکال مختلف استفاده از آن به سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌شود: ۱) ارزش منصفانه به عنوان شکلی از بهای تاریخی (برای مثال، در استاندارد شماره ۱۳، حسابداری اجاره‌ها)، ۲) استفاده از ارزش منصفانه در کاهش ارزش‌ها (در اســتاندارد شماره ۱۲، حسابداری اوراق بهادار معاملاتی) و ۳) حسابداری ارزش منصفانه (استاندارد شماره ۳۵ ، حسابداری و گزارشگری طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین). استفاده از ارزش منصفانه زمانی متناسب و متقارن است که از آن برای اندازه‌گیری مجدد در تاریخ‌های بعدی اســتفاده شود و ارزش‌های افزایش یافته یا کاهش یافته شناسایی گردند و ســودها (زیان‌ها) به حســاب سود (زیان) برده شوند. چنین استفاده متناسبی از ارزش منصفانه، سیســتم جدیدی را به وجود می‌آورد با عنوان حسابداری ارزش‌های منصفانه. بر اساس این بیانیه ارزش منصفانه عبارت است از: قیمتی که در ازای فروش یک دارایی دریافت و یا جهت انتقال یک بدهــی پرداخت و در یک معامله حقیقی[۸] میان فعالان بازار[۹] در تاریخ اندازه‌گیری مورد اســتفاده قرار می‌گیرد. تاکید این تعریف بر روی قیمتی اســت که در ازای فروش دارایی دریافت و یا برای انتقال بدهی پرداخت می شــود (قیمــت خروجی). این بیانیه تاکید می‌کنــد که ارزش منصفانه دارایی و بدهی مربوطه باید بر اساس مفروضاتی که فعالان بازار جهت قیمت‌گذاری از آنها استفاده می‌کنند، تعیین شــود. البته نیازی نیست که واحد تجاری در مفروضات خود به فعالان مشخصی اشاره نماید. این مفروضات بوسیله "سلسله مراتب ارزش منصفانه" اندازه‌گیری می‌شود. این سلسله مراتب نشان دهنده اولویت‌ها برای گونه‌های مشخص مفروضات بوده و تعیین کننده حدود الزامات افشــای مرتبط با مفروضــات فعالان بازار در صورت های مالی می‌باشــد. در مورد دارایی‌ها ارزش

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

منصفانه دارایی برابر اســت با بالاترین و بهترین اســتفاده[10] توسط فعالان بازار. فرض اندازه‌گیری ارزش منصفانه در بدهی‌ها این اســت که بدهی در تاریخ اندازه‌گیری منتقل می‌شود، ضمن اینکه ریســک عدم اجرا[11] را نیز باید در نظر گرفت. ریســک عدم اجرا به ریسکی اشاره دارد که تعهد ادا نشــود و اثری که عدم اجرا بر ارزش بدهی خواهد داشت. جهت ارزشیابی سه تکنیک وجود دارد: ۱) رویکرد بازار (رویکرد مقایسه فروش‌ها)[12] که از قیمت‌های قابل مشاهده و سایر اطلاعات مربوط که از معاملات بازار درباره دارایی‌های مشابه و یا قابل مقایسه ایجاد گردیده است، استفاده می‌کند. ۲) رویکــرد درآمــدی[13] که مبالغ آتی از جمله جریانات نقــدی یا درآمدها را به یک رقم به عنوان ارزش فعلی تبدیل می‌کند و بر مبنای انتظارات آتی می‌باشــد. ۳) رویکرد هزینه‌ای[14] که به ارزش جایگزینی اشاره دارد. همچنین از دو ورودی، به صورت سه سطح سلسله مراتبی استفاده می‌شود. در سطوح اول و دوم از ورودی‌های قابل مشاهده و در سطح سوم از ورودی‌های غیر قابل مشاهده استفاده می‌شود. ورودی‌های قابل مشاهده، ورودی‌هایی هستند که منعکس‌کننده مفروضات فعالان بازار برای قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی می‌باشــد، اما ورودی‌های غیر قابل مشــاهده، ورودی‌هایی هستند که منعکس‌کننده مفروضات واحد گزارشگر در ارتباط با مفروضاتی است که توسط فعالان بازار بر قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی مبتنی بر بهترین اطلاعات در دســترس انجام خواهد شــد. ورودی‌های سطح اول، عبارتند از قیمت‌های اعلام شده دارایی‌ها یا بدهی‌های یکسان و مشابه که واحد گزارشــگر در تاریخ اندازه‌گیری به آن دسترسی دارد. ورودی‌های سطح دو، ورودی‌های قابل مشاهده‌ای هستند که متفاوت از قیمت‌های پیشنهادی در سطح یک می‌باشد و به طور عمده منابع ورودی‌های این سطح قیمت‌های پیشنهادی برای دارایی‌ها یا بدهی‌های مشابه در بازار فعال یا غیر فعال می‌باشد. ورودی‌های سطح سه، ورودی‌هایی که غیر قابل مشاهده‌اند و با توجه به مفروضات واحد گزارشگر درباره مفروضات فعالان بازار (مانند مفروضات ریسک) مورد استفاده قرار می‌گیرند. ایــن بیانیه افشــاء در مورد اســتفاده از ارزش منصفانه را در اندازه‌گیــری دارایی‌ها و بدهی‌ها، در دوره‌های سالانه و میانی بعد از شناسایی اولیه افزایش داده است و تمرکز افشای آن بر ورودی‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه و اثر اندازه‌گیری ارزش منصفانه بر سود دوره است. پس از انتشار این بیانیه، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص بکارگیری ارزش منصفانه به وجود آمد و موافقان و مخالفان به بحث و بررسی آثار حسابداری ارزش منصفانه پرداختند.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

دیدگاه‌های متفاوت در مورد حسابداری ارزش منصفانه

هنگام بررسی حسابداری ارزش منصفانه، موضوعاتی نظیر سودمندی حسابداری ارزش منصفانه برای سرمایه‌گذاران، اثرات بالقوه رفتار بازار بر حسابداری ارزش منصفانه به‌ویژه در هنگام بحران، بهبود استانداردهای موجود و نقش حسابرسان در اعتباردهی به ارقام برآمده از حسابداری ارزش منصفانه، نقطه نظرات گوناگونی را پیرامون موضوع حسابداری ارزش منصفانه به خود معطوف می‌دارد. مدافعان ارزش‌های منصفانه معتقدند که حتی زمانی که سرمایه‌گذار در نظر دارد تا دارایی‌های مالی‌اش را تا سررسید نگهداری کند، هنوز هم ممکن است به ارزش فعلی این دارایی علاقه‌مند باشد. حتی برای دارایی‌های مالی که تا سررسید نگهداری می‌شوند (به عنوان مثال، وام)، سرمایه‌گذاران ممکن است به ارزش بازار کنونی دارایی‌های مالی حساس باشند و بخواهند به ارزیابی تصمیمات گذشته خود، در پرتو شرایط فعلی بازار بپردازند و یا توانایی ایفای تعهدات شرکت (یا بانک) را در سررسید، ارزیابی کنند (توماس[15] و دیگران، ۲۰۰۸).

علاوه بر این، حسابداری ارزش منصفانه موجب افزایش شفافیت و تشویق به اقدامات اصلاحی سریع می‌شود. عده‌ای نیز اعتقاد دارند که درست است که شفافیت مهم است، اما مسئله حل نشده این است که آیا حسابداری ارزش منصفانه در واقع در ارائه شفافیت مفید است یا خیر و اینکه آیا حسابداری ارزش منصفانه مدیران بانک‌ها و شرکت‌ها را وادار به اقدامات ناخواسته می‌کند یا خیر. مخالفان مدعی هستند که ارزش منصفانه مربوط نیست و به طور بالقوه برای دارایی‌های بلندمدت و به ویژه اوراق بهادار نگهداری شده تا سررسید، گمراه کننده است. عده‌ای از مخالفان نیز اعتقاد دارند که انصاف و عدالت یک قضاوت شخصی است، نه یک قانون ارزیابی. اضافه نمودن یک برچسب تازه بر روی یک روش ارزیابی، ممکن است یکی بازی از بازی‌های قدیمی قدرت نطق و بیان خط‌مشی باشد. مدافعان ارزش منصفانه با استفاده از عناوین هوشمندانه، مخالفان طرح پیشنهادی خود را حتی قبل از اینکه بحث شروع شود، در موضع دفاعی قرار می‌دهند. چه کسی می‌خواهد با استفاده از ارزش‌های غیرمنصفانه از حسابداری دفاع کند؟ شاید بهترین کار قرار دادن اصطلاح "منصفانه" در کنار نام روش ارزیابی باشد (ساندر شایما[16]، ۲۰۰۷).

مشکلات پیاده سازی و راه‌حل‌های پیشنهادی

اکثر منتقدان ارزیابی منصفانه، مشکلات پیاده‌سازی ارزش منصفانه در شرایط خاص را بزرگترین

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

مانع بکارگیری این رویه می‌دانند؛ دیدگاهی که تا حدود زیادی مورد قبول مراجع استانداردگذاری و مدافعان ارزیابی منصفانه نیز قرار گرفته است. چالش اصلی شرکت‌ها و حسابرسان در تعیین ارزش منصفانه، در بازارهای غیر فعال یا راکد می‌باشد. در چارچوب بازارهای غیر فعال، ارزیابی منصفانه سخت و دشوارتر است و برای یافتن قیمت‌های مبادلات، نیاز به تلاش بیشتری است و کشف قیمت برای حسابرسان نیز مستلزم تلاش قابل توجهی می‌باشد. کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده پیشنهاد می‌کند که برای تعیین ارزش منصفانه در بازارهای غیر فعال رهنمودهای اضافی بیشتری باید ارائه شود. بدون رهنمودهای محدود کننده، استانداردها می‌توانند به آسانی به بازی گرفته شوند. اگر چه، حسابداری ارزش منصفانه در بازارهای غیر فعال چالش برانگیزتر است، اما شرکت‌ها در بازارهای غیرفعال برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر به کار سخت‌تر نیاز دارند، مدیران و اعضای هیئت مدیره می‌توانند با درک بازاری که در آن به فعالیت می‌پردازند و همچنین با ایجاد مجموعه‌ای از شواهد، شامل اطلاعات موجود در بازار و دانش داخلی از دارایی و یا بدهی‌های مورد ارزیابی، با چنین چالش‌هایی، مواجه شوند. حسابرسان نیز برای تعیین ارزش منصفانه در بازارهای غیر فعال یا راکد با چالش‌های عمده‌ای مواجه‌اند، با وجود این، حسابرسان قادرند با کشف قیمت از طریق کار بر روی اطلاعات پشتوانه، معیارهای ارزش منصفانه را به کار گیرند. یکی دیگر از مشکلات بالقوه این است که هر قدر بازار و ابزارهای مالی پیچیده‌تر می‌شوند، پیدا کردن متخصصان ارزیابی در داخل خود شرکت مشکل‌تر است، در نتیجه شرکت باید در خارج از شرکت در پی متخصص بگردد. استفاده از متخصصان ارزیابی (اکچوری) و ایجاد مراجع ذی‌صلاح برای ارزیابی دارایی‌های مالی پیچیده و بکارگیری برآوردهای این متخصصان جهت ارزیابی دارایی‌ها در بازارهای غیرفعال و راکد و استفاده از کارشناسانی که با ایجاد مدل‌های پیچیده و قضاوت در مورد ورودی‌های غیر قابل مشاهده، ارزیابی را تسهیل می‌کنند از دیگر پیشنهادهای مطرح در این باره می‌باشد. مدیران نیز باید به مدیریت ریسک توجه داشته باشند و ذهن خود را بر روی ارزش‌های خروجی در هر موقعیتی متمرکز نمایند. ملزومات افشاء، یکی دیگر از نقاط حساس در پیاده‌سازی ارزیابی منصفانه، به خصوص در مورد ورودی‌های کلیدی و فرضیات، می‌باشد. بسیاری از مدافعان ارزش منصفانه نیز اذعان کرده‌اند که افشاء مربوط به ارزیابی منصفانه در صورت‌های مالی باید در جهت ارائه بیشتر به سرمایه‌گذاران توسعه پیدا کند و در جهت بهبود افشاء، پیشنهادات مختلفی را مطرح کرده‌اند. یکی از این پیشنهادات برای بهبود افشاء، نشان دادن اطلاعات مربوط در یک مکان واحد و افشای مستندات همراه با تفسیر و نشان دادن نقاط

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

اساسی به شکلی است که پراکندگی کمتری در سراسر صورت‌های مالی داشته باشد. شرکت‌ها باید حساسیت‌های مربوط به دارایی‌های سطح سوم را در قالب جدولی شامل طیف وسیعی از ارزش‌های مناسب، ارائه کنند تا فرضیات و ورودی‌های مورد استفاده برای محاسبه هر یک از مقادیر نشان داده شود (توماس و دیگران، ۲۰۰۸).

کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده، برای بهبود برنامه‌ها و رویه‌های مربوط به شرایط موجود (به ویژه، در ارتباط با برآوردهای سطح دوم و سوم) به اقدامات تکمیلی اشاره کرده است. بدین منظـور، در رهنمودهای اضافی ارزش منصفانه باید نکات زیر را در نظر گرفت: (۱) چگونگی تعیین زمانی که بازارها غیر فعال می‌شوند؛ (۲) تعیین چگونگی صورت گرفتن معامله؛ اینکه معامله به صورت گروهی، به اجبار بوده است؛ (۳) چه زمانی و چگونه کمبود نقدینگی باید در ارزیابی دارایی‌ها یا بدهی در نظر گرفته شود، (۴) چگونه تاثیر تغییر در ریسک اعتباری باید در ارزش دارایی‌ها یا بدهی تخمین زده شـود؛ (۵) چه زمانی اطلاعات قابل مشـاهده بازار باید با تکیه بر اطلاعات غیرقابل مشاهده در قالب برآوردهای مدیریت تکمیل شود؛ و (۶) چگونه تایید می‌شود که فرضیات مورد استفاده، همان فرضیات مورد استفاده فعالان بازار می‌باشد و نه فرضیات مورد استفاده یک نهاد خاص. ضمن آنکه ضروری است که به سرمایه‌گذاران آموزش داده شود که ارزش منصفانه لزوماً ارزش بازار نیست و در برخی موارد، ارزش منصفانه معیاری تخمینی است (هیلمی[۱۷] و دیگران، ۲۰۰۹).

حسابداری ارزش منصفانه و بحران مالی

منتقدان معتقدند که در برخی موارد، حسابداری ارزش منصفانه موجب تشدید بحران می شود و استفاده از آن در شرایط بحران‌های مالی باید تعلیق شود. در مقابل، مدافعان ارزش‌های منصفانه بر این باورند که ارزش‌های منصفانه برای دارایی و یا بدهی شرایط فعلی بازار را بازتاب می‌دهد و از این رو اطلاعاتی به موقع ارائه می‌کند و تعلیق حسابداری ارزش منصفانه برای بازار سرمایه زیانبار خواهد بود. علاوه بر این، ارزش‌های منصفانه با دیدگاه سرمایه‌گذاران در تعارض است و به اعتبار و استقلال روند استانداردگذاری آسیب می‌رساند. در نتیجه، این‌گونه تغییرات می‌تواند اعتماد فعلی سرمایه‌گذاران را به خطر اندازد(توماس و دیگران، ۲۰۰۸).

تقارن آغاز پیدایش بحران‌های مالی با ارائه بیانیه ۱۵۷هیئت اسـتانداردهای حسـابداری مالی، موجب شـده تا مشاورین بانک‌ها، گروه‌های تجاری و قانون‌گذاران در داخل و خارج ایالات متحده،

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

موضع‌گیری‌هایی در مقابل این استاندارد داشته باشند و این استانداردها را به خاطر ایجاد حرکاتی نزولی در اقتصاد مورد ســرزنش قرار دهند. برخی از تحلیلگران و منتقدان نیز بر این باورند که این بیانیه، تغییراتی در چرخه تجاری شرکت‌ها ایجاد کرده و تبعات مطلوبی در پی نداشته است و وضعیت متزلزل موسسات مالی مهم در جهان نشان‌دهنده آن است که سهامداران و اعتباردهندگان به واسطه ارزش‌های منصفانه تصنعی تحت تاثیر قرارگرفته‌اند و حباب‌های قیمتی شکل گرفته از ارزش تصنعی دارایی‌ها، ورشکستگی‌های پیاپی را به دنبال داشته است. مدافعان ارزش منصفانه بر این اعتقادند که این استاندارد، ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های واحدهای تجاری را در یک نقطه زمانی نشان می‌دهد و به سرمایه‌گذاران جهت آگاهی از ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها کمک می‌کند. به گفته این مدافعان، حرکات نزولی وضعیت مالی پس از بکارگیری ارزش منصفانه رخ داده است و این استاندارد، نشانه‌هایی از بازار رو به نزول را نمایان کرده است(توماس و دیگران، ۲۰۰۸).

حسابداری ارزش منصفانه و کاربرد آن در چرخه تجاری و در زمان بحران، موضوع بحث‌های قابل توجهی برای موافقان و مخالفان بوده اســت. آیا حسابداری ارزش منصفانه، مطابق روندهای تجاری اســت، به عنوان مثال، آیا موجب تشدید نوســانات در سیستم‌های مالی می‌شود، و آیا ممکن است موجب روند نزولی در بازارهای مالی شود؟ در این مورد، هم باید به نقش حسابداری ارزش منصفانه در کمک به روندهای تجاری در زمان رونق و هم باید به نقش آن در زمان رکود پرداخت (توماس و دیگران، ۲۰۰۸).

اولین چالش و نگرانی این اســت که حســابداری ارزش منصفانه در زمان رونق، به بانک‌ها اجازه می‌دهد تا دارایی‌هایشــان را به روز در آورند و اهرم‌های مالی‌شــان را افزایش دهند، که این به نوبه خود باعث می‌شود تا سیستم‌های مالی آسیب‌پذیرتر و به دنبال آن، بحران‌های مالی تشدید شوند. در مقابل، حسابداری بهای تاریخی در زمان رونق، اجازه به روزدرآوری دارایی‌ها را نمی‌دهد و ذخیره‌های پنهان ایجاد می‌کند که می‌تواند در زمان بحران مورد استفاده قرار گیرد (آلن و کارلیت[۱۸]، ۲۰۰۸).

با این حال، طراحان این مسائل توجه نمی‌کنند که حسابداری ارزش منصفانه برای یک بحران قریب الوقوع، علائم هشــدار دهنده ارائه می‌کند و از این رو ممکن اســت بانک‌ها را مجبور به اتخاذ اقدامات مناسب کند. در نتیجه، حسابداری ارزش منصفانه ممکن است موجب کاهش شدت بحران شود. علاوه بر این، سئوال کلیدی این است که چرا تحت حسابداری بهای تاریخی، یک بانک تمایل به نگهداری ذخیره‌های پنهان دارد و اهرم پایین انتخاب می‌کند و آیا در صورتی که این ذخیره‌ها تحت

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

حسابداری ارزش منصفانه، پنهان نباشند، بانک‌ها دیگر تمایلی به نگهداری اهرم‌های بالاتر نخواهند داشـــت؟. در واقع، تمایل بانک برای گسترش اهرم‌های مالی در دوره‌های رونق، مسئله‌ای نیست که صرفاً از حسابداری ارزش منصفانه ناشی شده باشد.

چالش دوم این اســـت که حسابداری ارزش منصفانه می‌تواند به سرایت بحران در بازارهای مالی دامن بزند. ایده اصلی این است که ممکن است بانک‌ها مجبور به فروش دارایی‌ها به بهایی زیر ارزش ذاتی شوند و این که این قیمت‌های (اجباری) خرید و فروش به نهادهای دیگر که تحت حسابداری ارزش منصفانه، دارایی خود را به ارزش بازار اندازه می‌گیرند، نیز مربوط می‌شود و همچنین در دسته بندی اوراق بهادار نیز اثر می‌گذارد. در این استدلال لازم است که ابتدا، برخی روابط مستقیم و یا غیر مســـتقیم بین سیستم حسابداری و فروش دارایی‌ها به اثبات برسد. باید نشان داده شود که الزامات نظارتی ســـرمایه، بر اساس حسابداری می‌تواند به سرایت بحران منجر شود. همچنین باید به اثبات رسد که تمرکز مدیریت بر درآمد کوتاه مدت حسابداری می‌تواند عوارضی مشابه ایجاد کند(لاکس و چریستیان، ۲۰۰۹).

پرســـش بعدی این اســـت که چگونه (و کجا) باید به اثرات ســـرایت بحران پاسخ داده شود. یک گزینه، استفاده از حسابداری بهای تاریخی است. ارزیابی دارایی‌ها به بهای تاریخی، اساساً بانک‌ها را از قیمت بازار و از قیمت‌هایی که از طریق فعالیت‌های تجاری دیگر بانک ایجاد شده‌اند، مصون می‌سازد. کسانی که از حسابداری ارزش منصفانه انتقاد می‌کنند و فریاد بازگشت به حسابداری بهای تاریخی را سر می‌دهند، باید مراقب باشند؛ ممکن است حسابداری بهای تاریخی برای وام‌ها، با انگیزه‌های کوتاه مدت بانک‌ها پیوند خورده و در واقع به موج اخیر کمک کند. حتی اگر مشکلات بالقوه‌ای با حسابداری ارزش منصفانه، مانند اثرات سرایت بحران وجود دارد، مشخص نیست که آیا راه حل این مشکلات، حسابداری بهای تاریخی است (لاکس و چریستیان، ۲۰۰۹).

یک راه جایگزین برای مقابله با ســـرایت بحران، این اســـت که وقتی بحران احتمالاً در شـــرف وقوع اســـت، از قیمت بازار منحرف شویم. در درجه اول، استانداردها به صراحت بیان می‌کند که در شرایط خرید و فروش اجباری، نباید از قیمت بازار استفاده شود. دوم، هنگام غیر فعال شدن بازارها، اســـتانداردها اســـتفاده از مدل ارزیابی جهت انحراف از ارزش‌های بازارهـــا را مجاز می‌داند که اثرات ســـرایت در یک بحران مالی را کاهش می‌دهد. سوم، اصول پذیرفته شده آمریکا، طبقه‌بندی مجدد دارایی‌های اندازه‌گیری شـــده به روش ارزش منصفانه، به رده‌ای که حسابداری بهای تاریخی اعمال

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

می‌شود، را مجاز می‌داند. به این ترتیب، به نظر می‌رسد آنچه که موجب سرایت بحران با استفاده از این روش‌ها شده است، ناآشنایی مدیران، حسابرسان و حتی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی با این استانداردها بوده است.

نتیجه‌گیری

از آنچــه که در این مقاله مورد بررســی قرار گرفت، این‌چنین به نظر می‌رســد که، هنوز ارزش منصفانه نتوانســته به طور کامل انصاف خود را در اندازه‌گیری عناصر حســابداری نشان دهد. دلیل این امر، چالش‌ها و مشــکلات عدیده‌ای است که بر سر راه بکارگیری آن وجود دارد. از طرفی دیگر، همانگونه که نمی‌توان بهای تاریخی را یگانه مبنای اندازه‌گیری به حســاب آورد، با بررســی مزایا و معایب بکارگیری ارزش منصفانه نیز می‌توان به این نتیجه رســید که تنها در شرایط زمانی مناسب می‌توان از این مبنا استفاده کرد. این موضوع، حکایت قدیمی مربوط به تعادل بین ویژگی‌های کیفی مربوط بودن و قابلیت اتکای اطلاعات را نقل می‌کند. با این تفسیر، ارزش منصفانه و به تبع آن فراهم آوردن اطلاعات مربوط مورد توجه عموم از جمله، استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی و تدوین‌کنندگان اســتانداردهای حسابداری قرار گرفته و در طول زمان نه چندان دور سیر تکاملی خود را می‌پیماید. تا جایی که می‌توان به انتشــار اســتانداردی مستقل در خصوص ارزش منصفانه توســط هیئت استانداردهای حسابداری مالی اشــاره کرد. پس از انتشار این بیانیه و الزام بکارگیری آن، انتقادات، نظرات، مشــکلات و چالش‌ها با توجه به تقارن آن با بحران لااقل مالی اخیر روی کار آمدند. با بررسی این موارد، ملاحظه می‌شود که سرمایه‌گذاران مشتاق و حسابرسان اگر نگوییم متنفر، مخالف اجرای این استاندارد هستند. مهمترین مزیت و یا نقطه قوت این معیار را می‌توان شفافیت و مربوط‌پذیری اطلاعات فراهم شده به وسیله آن دانست. از کاستی‌های این مبنا، می‌توان به نحوه اندازه‌گیری آن و عدم اتکای نه‌چندان مطمئن اطلاعات فراهم شده به وسیله آن اشاره داشت. با ظهور بحران مالی اخیر بر منتقدان و مدافعان ارزش منصفانه افزوده شــد. منتقدان معتقدند که در برخی موارد، حسابداری ارزش منصفانه موجب تشدید بحران می شود و استفاده از آن در شرایط بحران‌های مالی باید تعلیق شود. آنها بر این باورند که ارزش منصفانه، تغییراتی را در چرخه تجاری شرکتها ایجاد کرده و تبعات مطلوبی در پی نداشــته است در مقابل، مدافعان ارزش‌های منصفانه بر این باورند که ارزش‌های منصفانه برای دارایی و یا بدهی شــرایط فعلی بازار را بازتاب می‌دهد و از این‌رو اطلاعاتی

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

به موقع ارائه می‌کند. در پایان می‌توان چنین برداشت کرد که ارزش منصفانه تنها معیار کافی برای اندازه‌گیری عناصر حسابداری نیست و جهت بهبود در اندازه‌گیری بر اساس این مبنا باید به سمت افشـــای کامل روی آورد. در ضمن، نمی‌توان این مبنا را به صورت محض عامل تشـــدید بحران مالی اخیر دانست.

پی‌نوشت‌ها:

1- Liquidation Value
2- Geoffrey
3- Barlev and Haddad
4- Aslanertik
5- Robert Boyer
6- Laux and Christian
7- Norwalk Agreement
8- Orderly Transaction
9- Market Participant
10- Best and Highest Use
11- Nonperformance risk
12- Market/Sales Comparison Approach
13- Income/Income Capitalization Approach
14- Cost Approach
15- Thomas
16- Sunder Shyam
17- Hilmi
18- Allen and Carletti

منابع و ماخذ:

الف) منابع فارسی

۱- بلکویی ریاحی، احمد (۱۳۸۱). تئوری‌های حســـابداری، مترجم: علی پارســـاییان، انتشـــارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲- کمیته فنی سازمان حسابرســـی (۱۳۸۳). استانداردهای حسابداری (نشریه ۱۶۰)، چاپ چهارم، تهران؛ سازمان حسابرسی (کمیته فنی).

۳- هیئت تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۷). مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی (نشریه ۱۱۳)، چاپ چهارم، تهران: سازمان حسابرسی (مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی).

ب) منابع لاتین

4- Allen, F; and Carletti, E. (2008). "Mark-to-market Accounting and Liquidity Pricing." Journal of Accounting and Economics, Vol. 45, PP. 358–378.

5- Aslanertik, B. E. (2009). "Fair Value Considerations during Current Financial Crisis." Paper presented at EconAnadolu 2009: Anadolu International Conference in Economics.

6- Barlev, B. and J. R. Haddad. (2003). "Fair Value Accounting and The Management of The Firm." Critical perspective on accounting, Vol. 14. PP. 383-415.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]

7- Financial Accounting Standards Board (FASB). FAS 157 and Fair Value for U.S GAAP. http://www.fasb.org/project/conceptual
8- Geoffrey, W. (2007). "Fair Value and the IASB/FASB Conceptual. Framework Project: An Alternative View." September 2007 Draft, for comment.
9- Hilmi, E; Adrian, P. F; and Srinivasa, R. (2009). "SEC Report to Congress Supports Use of Fair Value Accounting." BANK ACCOUNTING AND FINANCE, PP. 42-47.
10- International Accounting Standard Board http://www.iasplus.com/agenda/framework.htm.
Laux, Ch. and Christian, L. (2009). "The Crisis of Fair Value Accounting: making Sense of Recent Debate." The journal of accounting organization and society, Vol. 34. pp. 826_834.
11- Robert, B. (2007). "Assessing the Impact of Fair Value upon Financial Crises." Socio- economic review, Vol. 5. PP. 779-807.
12- Sunder, Sh. (2007). "Econometrics of Fair Values." Based the plenary address at the Mid-year Meeting of the American Accounting Association's Financial Accounting and reporting Section, San Antonio, January 19-20, 2007.
13- Thomas J. F; Anthony H. Z; Margaret A. B; Roger, M; Susan A. R; Robert J. W and Alan, R. (2008). "SEC Holds Round-Table on Fair value Accounting and Auditing Standards." Journal of Investment Compliance, Vol. 9. NO. 4. PP. 13-17.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-10-30]